

www.ketab.ir

ذیل کشف الخسوف
حاجی خلیفه



- سرشناسه : آقابزرگ طهرانی، محمدحسن، ۱۲۵۵ - ۱۳۲۸ .
- عنوان و نام پدیدآور : ذیل کشف‌الظنون (به ضمیمه چاپ عکسی مولد النبی، از شرف‌الدین احمد بن زین‌الدین رضوان حنبلی، به خط حاجی خلیفه، از جنگ شماره ۲۳۹۸ کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌نجفی - قم) با مقدمه در احوال و آثار حاجی خلیفه/ تالیف شیخ آقابزرگ تهرانی (مؤلف الذریعه)؛ اهتمام یوسف بیگ‌بابایور، مسعود غلامیه.
- مشخصات نشر : قم: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۰.
- مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص.؛ نمونه.
- شابک : ۸۰۰۰۰ ریال : 978-964-988-231-4
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- موضوع : حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، ۱۰۱۷ - ۱۰۶۷ ق.
- موضوع : اسلام -- کتابشناسی
- موضوع : نویسندگان اسلامی -- کتابشناسی
- موضوع : ادبیات عربی -- کتابشناسی
- شناسه افزوده : بیگ بابایور، یوسف، ۱۲۵۷ -، مصحح، مقدمه‌نویس
- شناسه افزوده : غلامیه، مسعود، ۱۳۴۶ -، مصحح، مقدمه‌نویس
- شناسه افزوده : حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، ۱۰۱۷ - ۱۰۶۷ ق. . کشف‌الظنون عن اسامی الکتب والفنون
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ / ۵۱۷۶ الف / Z۷۸۲۵
- رده بندی دیویی : ۰۱۶ / ۲۹۷
- شماره کتابشناسی : ۲۵۷۲۸۲۱
- ملی :

ذیل کشف الظنون

تألیف

شیخ آقا بزرگ تهرانی (مؤلف الذریعه)

(به ضمیمه چاپ عکسی مولد السی، از شرف الدین احمد بن زین الدین رضوان حنبلی، به خط حاجی خلیفه، از جنگ شماره ۶۲۹۸ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی - قم)

با مقدمه در احوال و آثار حاجی خلیفه
و اهتمام:

یوسف بیگ باباپور مسعود غلامیّه

نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم

۱۳۹۰ خورشیدی

با همکاری کتابخانه مجلس شورای اسلامی



مجمع ذخائر اسلامی - قم، ایران

ذیل کشف الظنون

تألیف: شیخ آقا بزرگ تهرانی (مؤلف الذریعه)

(به ضمیمه چاپ عکسی مولد النبی، از شرف الدین احمد بن زین الدین رضوان حنبلی، به خط

حاجی خلیفه، از جنگ شماره ۴۲۹۸ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی - قم)

با مقدمه و اهتمام: یوسف بیگ باباپور و مسعود غلامیه

نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم با همکاری کتابخانه مجلس شورای اسلامی

چاپ: ظهور / گرافیک: سید محمد حسینی زمانی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰ ش (۱۴۱۱ م)

شمارگان: ۲۵۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۲۳۱-۴

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

ارتباط با ناشر

قم: خیابان آذر - کوی ۲۳ - پلاک ۱ - مجمع ذخائر اسلامی

تلفن: ۰۹۸۲۵۱۷۷۱۳۷۴۰۰ دورنگار: ۰۹۸۲۵۱۷۷۰۱۱۱۹

همراه: ۰۹۱۲۲۵۲۴۳۳۵

نشانی پایگاههای اینترنتی:

www.zakhair.net

www.mzi.ir

www.kodna.ir

info@zakhair.net

info@mzi.ir

info@kodna.ir

مقدمه

کاتب چلبی مشهور به حاجی خلیفه:

مصطفی بن عبدالله ایکنجی، دانشمند، تاریخ‌نگار، مورخ، ادیب، زندگینامه‌نویس، جغرافی‌نگار، کتاب‌شناس و کتاب‌نامه‌نویس سرشناس ترک مستعرب عثمانی در قرن یازدهم هجری است. نامش مصطفی و نام پدرش عبدالله بود. (**Turk Ansiklopedisi.21/401**؛ **Karaalioglu.1/753**؛ سبجانی: مجله کتابداری، ص ۱۱؛ محدث، مقدمه تقویم التواریخ، ص ۱۰؛ زرکلی، ۲۳۶/۷) و برخی او را فیلسوف دانسته‌اند. (پورگشتال، ۶۹۱/۱) دو منبع خودنوشت زندگینامه او، مشتمل بر دو مرحله از زندگی وی است: بخش اول (تا ۱۰۳۵ق.) در پایان بخش اول کتابش به نام **سَلَم الوصول** و بخش دوم (از ۱۰۳۸ق.) در پایان آخرین کتابش به نام **میزان الحق**؛ و در دیگر کتابهایش مانند **فذلکه**، **جهان‌نما** و **کشف الظنون** به مناسبت‌هایی، خاطراتی از حیات خود آورده است. (توفیق سبجانی، همانجا) هرچند این گونه‌نوشته‌ها چندان زیاد نیست، اما از نظر روشن کردن حیات و زوایای شخصیتی او می‌تواند بسیار مهم باشد. قطعاً اگر این اطلاعات هرچند مختصر، یک‌جا گرد آیند، زندگی وی، روش کار، آثار و افکار او درون چهارچوبی مدون و منظم قرار خواهد گرفت. اوی در این آثارش، برخلاف عرف، نام جد خود را قید نکرده است.

طبق همین اطلاعات، کاتب چلبی به اعتبار دانش فراوان و درجه فضل و معلوماتش و نیز اشتغال به کتابت دفاتر سلطانی، در میان حکما و علمای عثمانی به «کاتب چلبی» و بین اهل دیوان و مأموران دولتی به «حاجی خلیفه» شهرت داشت؛ (نلینسو، ۷۴؛ **Orhan.7/432**) زیرا که در قرن نهم هجری این عنوان به معنای «سرور» به علما و فضلا اطلاق می‌شد. (نک: حاجی خلیفه، **کشف الظنون**، ج ۱، مقدمه، ص «ح») و به تعبیر برخی،

به «فاضل قسطنطنی» موصوف است و علت این لقب او را چنین بیان داشته اند که «او فاضلی جامع معقول و منقول و مورخی است خیر متبع ادیب بصیر» (مدرس تبریزی، ۱۰/۵) «کاتب چلبی» لقب درست و صحیح حاجی خلیفه است؛ اما در ایران و اروپا، او به حاجی خلیفه معروف شده است. لقب «حاجی خلیفه» از این سبب است که وی یکی از سرآمدان نویسندگان دستگاه عثمانی محسوب می شده است و سرپرستی گروهی از نویسندگان را بر عهده داشته است. روی این اصل به حاجی خلیفه مشهور گردید. اما در مدارس عثمانی از حاجی خلیفه به «کاتب چلبی»، یعنی نویسنده اصیل و شریف یاد می شده است؛ زیرا چلبی به معنی «آقا»، «اصیل زاده» و «شاهزاده» می باشد و علمای مدارس استانبول، حد و ارزش وی را به اندازه یک نویسنده (کاتب، منشی) تلقی می کردند. (روحانی، «کتابشناسان مسلمان»، کیهان اندیشه، ص ۹۳)

او به گفته مادرش، در دیقعه ۱۰۱۷ ق. / ۱۶۰۶ م. در قسطنطنیه (استانبول) به دنیا آمد. (حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، مقدمه، ص «و»؛ برخی به اشتباه ۱۰۰۰ ق.، نک: سامی، ۳۸۰۶/۵ و نیز ۱۰۰۴ ق. دانسته اند، نک: قمی، ۲۴۲) پدرش مردی دیندار و دانش دوست بود. وی ابتدا در «سرای» (دربار) خدمت می کرد و سپس وارد دیوان حرب و فوج سلی دار (سلاحدار) سپاه عثمانی شد. (Orhan.7/432) سلاحداری، یکی از مشاغل دربار عثمانی بوده و رئیس آن را سلاحدار آغا می گفتند. کار و وظیفه ایشان نگهداری اسلحه و آلات جنگ، مخصوص پادشاهان عثمانی بوده است.

و مصطفی نیز در چهارده سالگی به یاری پدرش وارد فوج سلی دار شده و در اداره «محاسبه آناطولی» در سمت منشی به کار حساب و سیاق پرداخت. (Orhan.6/432؛ شیخی محمد افندی، ۱/ ۲۶۲؛ د. اسلامیه، ذیل «حاجی خلیفه»)

از آنجا که پدر حاج خلیفه، همواره با علما و اهل مدارس در معاشرت بوده، در تربیت فرزندش سخت کوشش می نمود و معلمینی جهت تعلیمش استخدام نموده است. مصطفی

از پنج شش سالگی، نزد امام عیسی خلیفه قریمی (اهل شبه جزیره کریمه^۱) در زادگاهش به تحصیل پرداخت. (Idem.4/760) و مقدمات علوم (قرائت، تجوید و آداب نماز)، از جمله مقدمه جزیره را در علم تجوید، با نظارت پدرش فرا گرفت. (توفیق سبحانی، همانجا). سپس در دارالقرای مسیح پاشا آن چرا که از امام عیسی آموخته بود، از بر کرد؛ و سپس نزد الیاس خواجه کتابهای تصریف و عوامل را خواند و از بوگری^۲ احمد چلبی خوشنویسی و خط فرا گرفت و پیش زکریا علی ابراهیم افندی و نفّس زاده به تعلّم پرداخت و قرآن را تا نیمه حفظ کرد. (Ozen. 3/85؛ Turk Ansiklopedisi. 21/401)

او پس از فرا گرفتن این فنون و علوم، در سن چهارده سالگی به همراه پدرش در قسمت محاسبه آناتولی مشغول به کار شد و قواعد حساب و ارقام و سیاق را تکمیل نمود. در این حین پدرش از حقوق خویش، ماهانه ۱۴ درهم مستمری تعیین کرد.

در سال ۱۰۳۳ ق. / ۱۶۲۴ م. هنگامی که سپاه عثمانی برای فرونشاندن عصیان ابازه پاشا از استانبول حرکت می کرد، مصطفی به همراه پدرش در معیت آن سپاه بود و فرصت یافت تا از جایی بلند جنگ مغلوبه را نظاره کند و وقایع آن را ثبت نماید. (شیخی محمد افندی، همانجا) همچنین در سال ۱۰۳۵ ق. / ۱۶۲۵ م. شخصاً در جنگ بغداد شرکت جست و در این جنگ به سبب شکست از دشمن، او و یارانش نه ماه در محاصره بوده و قحط و غلاء و غلبه اعدا و حرب و قتال و شداید بسیاری را در بدترین حال دید و با کمال یأس بازگشت. (مدرس تبریزی، ۱۱/۵)

او تا سال ۱۰۴۵ ق. / ۱۶۳۶ م. تقریباً پیوسته همراه لشکریان عثمانی در جنگهای مرزهای شرقی آناتولی بود که از آن جمله است: جنگهای عثمانی با ایران، لشکرکشی عثمانی ها به همدان در ۱۰۳۸ ق، محاصره بغداد در ۱۰۴۰ ق، و جنگ سالهای ۱۰۴۳ - ۱۰۴۵ ق. به فرماندهی سلطان مراد چهارم. (Turk Ansiklopedisi. 21/401)

1. Crimee

2. Bogri

در بین این لشکر کشیها در ذی قعدة سال ۱۰۳۵ ق. در راه بازگشت از بغداد به طرف موصل پدرش را در موصل از دست داد و مصطفی همراه یکی از بستگان پدرش (که ظاهراً عمویش بود) به دیار بکر رفت و به خدمت اداره «مقابله سواری» آنجا درآمد. (Orhan. 6/432)

او پس از این، با اشاره و عنایت یکی از دوستان پدرش با عنوان «چراغ» به شغل دیوانی مشغول گردید. البته چراغ را نباید با چراغ فارسی اشتباه کرد. فقط یک تشابه لفظی است. چراغ در زبان عثمانی به معنی «شاگرد» است. (روحانی: کیهان اندیشه، ص ۹۳)

مصطفی در سال ۱۰۳۷ ق. / ۱۶۲۷-۱۶۲۸ م. در ارض روم بود. در راه توقات باز دیگر با قحطی و سرما مواجه شد و دستها و پاهای بسیاری از همقطارانش از سرما یخ زده و عده زیادی هلاک شدند.

سپس در سال ۱۰۳۸ ق. در استانبول، در جلسات درس شیخ محمد بن مصطفی بالیکسری، معروف به قاضی زاده افندی، شرکت جست و سخت تحت تأثیر او قرار گرفت. (کوثری، ۴۷۶؛ ثریا، ۲۹۵/۴) قاضی زاده نفوذ کلام داشت. از آن رو مصطفی شدیداً تحت تأثیر او قرار گرفت و دروسی را که قبلاً آموخته بود، با او به بحث پرداخت.

مدرس تبریزی (ج ۵، ص ۱۱) درباره چگونگی ورود حاجی خلیفه به جلسات درسی قاضی زاده نقل می کند که «روزی در جامع سلطان محمد خان فاتح مجلس درس قاضی زاده شیخ محمد بن مصطفی بالیکسری را دیده و مجذوب بیانات شیوای وی شد و تحصیلات علمیه را تصمیم داد. در ظرف یک سال مقدمات لازمه را تجلید نظر نمود. در سال ۱۰۳۹ ق. حاضر درس قاضی زاده مذکور گردید و بعد از مراجعت از سفر بغداد و همدان تفسیر بیضاوی و شرح مواقف سید شریف و احیاء العلوم غزالی و کتاب طریقت محمدیه را که در فقه حنفی می باشد، در حوزه درس قاضی زاده تکمیل نمود».

او سپس به دمشق رفت و با علمای آن دیار به مناظره و مباحثه پرداخت و اوقات فراغت را در بازار کتابفروشان گذراند و کتب بسیاری از آنجا خریداری نمود. (روحانی: کیهان اندیشه، ص ۹۳)

سایر استادان او اعرج مصطفی، گرد عبدالله کچی محمد، و ولی افندی از مشاهیر عصر بودند که مصطفی نزد آنان ادبیات السنه ثلاثه (ترکی، فارسی و عربی)، فقه، حدیث، تفسیر، و منطق آموخت و نزد دانشمندی فلمنکی (هلندی تبار) ریاضیات، جغرافیا، و سایر فنون را فراگرفت. (کحاله، ۲۶۲/۱۲؛ کوثری، ۴۷۷-۴۷۸؛ سامی، ج ۵، ص ۳۸۰۶) و چون در وجود خود احساس مرض نمود، به تحصیل علم طب و معرفت حواس باطنی و اسماء الله مشغول گردید. (پورگشتال، ۲۳۳۵/۳) او مدتی در سلطنت مراد چهارم، عهده دار دفترخانه مهرداری شد (همان، ص ۱۹۳۹) و سپس در زمان سلطان محمدرفیع از اجزای یکی از دفترخانه های مالیه گردید و در این فرصت رساله دستورالعمل خویش را نگاشت. (همان، ص ۲۲۲۵)

وی در ۱۰۳۹ق. / ۱۶۲۹م. در لشکرکشی خسرو پاشا، از امرای عثمانی، به مرزهای غربی ایران و محاصره مجدد بغداد حضور داشت و از شهرهای همدان و بیستون در ایران دیدن کرد و مشاهدات خود را در آثارش جهان نما و فذلکه به تفصیل نوشت. (همان، ص ۲۳۳۵؛ نیز: Uzuncarsili. 3(2)/539) گویا در این سفر مرارت و رنج فراوان کشیده بود. بعد از مراجعت از بغداد، در سال ۱۰۴۱ق. / ۱۶۳۱م. باز در محضر در قاضی زاده افندی حضور یافت و این دوره هم چندان به طول نکشید و بار سفر بسته، به دمشق رفت.

در سال ۱۰۴۳ق. / ۱۶۳۴م. به همراه محمد پاشا صدر اعظم جزو سپاهیان به حلب رفت (کوثری، ۴۷۶). در این سفر بیشتر با علمای آن دیار در مناظره و مباحثه بوده است و اوقات فراغت را در سوق الوراقین یا سوق الصحافین (بازار کتابفروشان یا صحافان) می گذراند. او توانست در این سفر کتابهای مورد نیاز خود را خریداری و یا استنساخ نماید.

و از آنجا در سال ۱۰۴۳ به هنگام قشلاق سپاه عثمانی به حج رفت (شیخی، ۱/۲۶۳؛ Uzuncarsili؛ Hammer-Purgstall. 6/46 همانجا) و ضمن حج، از کتابخانه های آن دیار دیدن کرد (زرکلی، ۷/۲۳۶) و از این پس به «حاجی» ملقب شد. (پورگشتال، ۳/۲۳۳۵؛ زیدان، ۳/۳۴۰) و در بازگشت از حج به سبب توقف سپاه عثمانی در حلب، او نیز به ناچار زمستان را در این شهر گذراند و برای بار دوم فرصتی یافت تا از کتابخانه ها دیدن نموده و با علمای این شهر حشر و نشر داشته باشد. سپس در سال ۱۰۴۴/ق/۱۶۳۴م. به همراه سلطان مراد چهارم در جنگ روان شرکت کرد.

البته چنان که می بینیم، ده سال از حیات پربار و ارزشمند این عالم فرزانه به شرکت در جنگهای گوناگون سپری گردید.

در سال ۱۰۴۵/ق/۱۶۳۵م. به استانبول بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند و در محضر استاد بزرگ خود، شیخ مصطفی افندی اعرج (متوفی ۱۰۶۳) و چند تن دیگر به تکمیل فراگیری متون تفسیر و منطق و حکمت و ریاضیات و طب و غیره پرداخت و بقیه عمر را به مطالعه و تألیف و در صدر آنها تدوین کتاب شناسی مشهورش به نام کشف الظنون اختصاص داد. (Uzuncarsili، همانجا؛ شیخی، ۱/۲۶۲-۲۶۳؛ درویش: الموسوعه، ۷/۸۸۸)

او بعد از معاودت به استانبول، در سال ۱۰۴۳/ق/۱۶۳۳م. به سبب مرگ یکی از خویشاوندان ثروتمندش ارثیه زیادی به او رسید که او سه چهارم آن ارثیه را صرف خرید کتاب کرد و از یک چهارم باقی مانده در میانه راه مسجد فاتح و مسجد سلطان سلیم منزلی برای خود ساخت و در همان سال ازدواج کرد. (Turk Ansiklopedisi. 21/401)

او در این هنگام بود که اعرج مصطفی افندی را به استادی خود برگزید و در درسهای او شرکت جست. اعرج هم حاج خلیفه را مورد عنایت خاص خود قرار داده، او را از دیگر شاگردانش برتری داد و به او عروض، نجوم، و علوم دیگر را آموخت؛ و سپس در سال

۱۰۴۹ق/ ۱۶۳۹م. از محضر عبدالله مدرس علوم دینی ایاصوفیه و کچی محمد افندی مدرس علوم دینی سلیمانیه بهره مند شد.

در سال ۱۰۵۲ق/ ۱۶۴۲-۱۶۴۳م. از استادان دیگری مانند واعظ ولی افندی و بعدها از محضر ملا ولی الدین افندی، مفتی ارمناک، فقه و منطق آموخت. حدود ۱۰ سال دیگر از حیات خود را به تحقیق و پژوهش مشغول شد. او در حال مطالعه از خود بی خود می گردید. شمع اتاقش از غروب آفتاب تا طلوع آن روشن بود. در این مدت طلاب نیز از محضر او استفاده می کردند.

در سال ۱۰۵۵ق/ ۱۶۴۵م. به سبب بروز جنگ گریه همه نقشه های جغرافیایی و نحوه تهیه نقشه را مطالعه کرد. پس از بیست سال خدمت، به دلیل امتناع دولت از ترفیع، از مقام خود کناره گرفت و قریب سه سال گوشه نشینی اختیار کرد. سرانجام بیمار شد. برای معالجه خود کتب طب و دعا و علم الروح را مطالعه کرد.

حاجی خلیفه تدریس نیز می کرده، از جمله به فرزند خود و مولانا محمد بن احمد رومی کتاب شرح الکشاف را در هندسه و الطریقه المحمدیه را در هیئت، درس می داد و نحوه و قواعد استخراج تقویم را از زیج برای آنها آموخت. (Orhan. 6/433)

کاتب چلبی بسیاری از آثار خود را در اواخر عمر خویش تالیف کرده است. چنان که در سال ۱۰۵۸ ق. به سبب تألیف تقویم التواریخ به سمت خلیفه دومی (معاون دومی) ترفیع داده شد (همان) و بیشتر آثارش را پس از این تاریخ تالیف کرده؛ از جمله ترجمه هایی از متون لاتینی به ترکی که به یاری شیخ محمد اخلاصی - مهتدی (مسیحی اسلام آورده) فرانسوی - انجام داد. (Idem. 4/760) و به کمک همین فرد بود که با کتابهای اروپایی، خصوصاً یونانی و لاتینی آشنایی پیدا کرد.

آثار او در سده ۱۱ق/ ۱۷م. در تثبیت و تداوم هویت ادبیات نثر ترکی اهمیت بسزایی داشته است. (ووسینچ، ۷۹؛ جی. شاو، ۴۹۰/۱) و حتی برخی وی را «در شمار پیشگامان

رئسانس» و نیز «در ارتباط با سنت فلسفی شرق، یعنی تعلیمات ارسطویی» دانسته اند. (میکل، ۴۷۴/۱)

وی مدارج علمی را به شیوه متداول طی نکرد. (Wurm. 151) اما سفرهای او در قلمرو عثمانی و ایران، زمینه خلق آثاری شد که بعضاً وی را به مقام رفیع دانش و تحقیق رساند. او در سفرهایش به عوامل عمده انحطاط و عقب ماندگی جامعه عثمانی پی برد و چون تحول اجتماعی را در کشورش بعید می پنداشت، به تمدن مغرب زمین تمایل یافت و با برخی اروپاییان ساکن در استانبول (از جمله راهبی فرانسوی و نومسلمان) معاشرت نمود. (همان، صص ۱۵۶-۱۵۷، ۱۶۲-۱۶۳) و اطلاعاتی از طرز حکومت و چگونگی وضع و اجرای قوانین جاری آن ممالک به دست آورد و به همین خاطر رساله دستورالعمل خویش را برای حل معضلات اجتماعی نوشت. (همان، صص ۱۰۲-۱۰۳؛ روحانی، ص ۹۴). در این رساله فکر و روحیه تحول یافته حاجی خلیفه برای اصلاح جامعه کاملاً آشکار است. (تکین داغ و فخری، ص ۵۳۹) او زمانی که عضو مجلس مشورت (شورا) و از عقلای کتاب (کاتبان) بود، در این رساله اش، «مصلحت مهمه»، یعنی «امکان چگونگی فرآیند تدارک تنظیم امور دولت» را بیان کرده است. (تکین داغ و فخری: تحقیقات تاریخی، ص ۵۳۹)

حاجی خلیفه با آنکه به اروپا سفر نکرده بود، به فرهنگ و تمدن غربی دلبستگی نشان می داد. او از نخستین کسانی است که از قرن یازدهم، از نحوه حکومت‌های غیر اسلامی تأثیر پذیرفته و دیدگاهش در آثار متعدد وی منعکس شده است. او حتی از ذکر سال میلادی ابا نداشت. (Wurm. 5؛ تکین داغ و فخری، ص ۵۵۱)

چنان که مدرس تبریزی (ج ۵، ص ۱۱) می نویسد، او در سال ۱۰۴۷ق. از تمامی خدمات رسمیه منصرف و تمامی اوقات خود را در تحصیل علوم متداوله از تفسیر، منطق، معانی، بیان، فقه، اصول، طب، کلام و حکمت مصرف و از اکابر وقت تکمیل مراتب علمیه

نمود و به اجازهٔ روایتی کتب حدیث مشایخ نایل آمد و به تدریس علوم مذکوره مشغول و همت خود را در تالیف و تصنیف برگماشت.

او نخستین مورخ عثمانی است که با آرا و اندیشه های ابن خلدون آشنایی داشت (نک: تکین داغ و فخری: تحقیقات تاریخی، ص ۵۳۸-۵۴۰) و نویسندگان مشهور ترک نسلهای بعد همه از او پیروی کردند. (Wurm. 155-156) وی در استانبول بیشتر وقت خود را در کتابخانهٔ شیخ الاسلام یحیی (قاضی القضاة و ملک الشعراء) که محل تجمع فضلا بود، می گذراند. تا آن که در ۱۰۵۸ معاون دوم دارایی دیوان سپاه شد. (Krachkovskii. 4/619)

حاجی خلیفه در سال ۱۰۶۷ ق/ ۱۶۵۷ م. روز شنبه ۲۷ ذی الحجه در حالی که مشغول صرف صبحانه بود، حالش به هم خورد و به مرگ ناگهانی درگذشت، در حالی که ۵۰ سال بیشتر نداشت؛ و مزارش در محلهٔ زیرک (در جوار جامع زیرک) در استانبول در حظیره ای کوچک قرار دارد. (دائرة المعارف اسلامیة، همانجا؛ شیخی محمد افندی، همانجا) در سال ۱۳۳۲ ش. / ۱۹۵۳ م. مقبره اش را مرمت و سنگ قبر جدیدی برایش تهیه کردند. (Turk Ansiklopedisi. 21/401)

وی خود را حنفی مذهب و اشراقی مشرب خوانده است. (نک: کشف الظنون، ج ۱، همان مقدمه، ستون ۱۳) به نوشتهٔ معاصرانش، او مردی با همت، خوش خوی، کم حرف، و حکیم مشرب بود و همچنین او دانش دوست و پاکدامن و اهل قناعت نیز بود. (شیخی محمد افندی، همانجا). شایق گوک یای، نویسندهٔ معاصر که بسیاری از آثار حاجی خلیفه را معرفی و یادنامه ای دربارهٔ او فراهم کرده است، در *Atlas Minor* (صص ۳، ۳۹، ۲۲۳) وی را نمونهٔ متفکری آزاده و مثبت اندیش برای قرن یازدهم در میان ترکان به شمار آورده است که توجه و تحسین اروپاییان را نیز برانگیخته است.

عشاقی زاده دربارهٔ او نوشته است که وی با هر گونه آدمی می ساخت. مردی باوقار بود. از شوخی خوشش نمی آمد. در آثار وی هم مطالب هجو آمیز دیده نمی شود. حاج

خلیفه در آثار خود قید کرده است که عادت به استعمال دخانیات نداشته است. او والاترین مقام برای انسانها را خداشناسی می دانست و معتقد بود که انسان باید بیندیشد که از کجا آمده و به کجا می رود.

چنان که ذکر شد، او در اثنای مسافرتهاى خود به صحافان و کتابفروشی ها سر می زد و کتابهایی چند می خرید. بیشتر به کتب تاریخ و ترجمه احوال علاقه مند بود؛ چنان که خود می نویسد که قریب یک هزار و صد جلد کتاب تاریخی را از نظر گذرانده است. از میان تعاریف علم تاریخ، این تعریف جنابی (نک: بروسه لی، عثمانلی مولفتری، ج ۳، ص ۳۹ به بعد) را می پسندید که تاریخ در سلسله جبال علوم به کوهی رفیع مانده است که از فراز آن ممکن است که انسان، نشان خداوند، حکمت او، عظمت و قدرت و کمال او را بشناسد. او به جغرافیا هم علاقه داشت. از این رو به منظور نقایص کتب جغرافیایی در مشرق زمین به تالیف کتاب جهان نما برخاست. او کتابها را صرافانه و با دیده انتقاد مطالعه می کرد. هر جا به نکته ای غیر واقع بر می خورد، در حاشیه کتاب به آن نکته اشاره می کرد. از بعضی کتابهای او چنین بر می آید که وی برای رفع نقایص اطلاعاتی موجود در کتب عربی و ترکی می کوشیده است که به آثار غربی دست یابد. به مشکل ترجمه واقف بوده است. زبان لاتین را تا حد استفاده از منابع آن فرا گرفته بود. گاهی مطالبی را به طور اختصار از کتب دیگر ترجمه یا نقل کرده است که قابل قبول نمی تواند باشد؛ اما وی در پایان از نوشتن این که «لاف و گزافی بیش نیست»، ابایی نکرده است. گاهی خطاهای آنان را با عبارت «حقیر اندور» (این حقیر می گوید) اصلاح کرده است. به دعا معتقد بود که اگر انسانی دلی پاک داشته باشد و دعا کند، بیمار شفا می یابد و او این نوع معالجه را طب روحانی نامیده است. به نجوم اعتقاد داشت، ولی تنجیم را از امور وهمی می شمرد. (نک: توفیق سبحانی، کتابداری، صص ۱۲-۱۵)

او در جای جای فذلکه به خطاهای نظامی و علت‌های آن می‌پردازد. وی حیات اجتماعی انسانها را به حیات خود آدمی مانند می‌کند و می‌گوید که دنیا با کفر سرپا می‌ماند، ولی با ظلم دوامی ندارد.

وشنه زاده، برادرزاده شیخ الاسلام یحیی، دو سال بعد از درگذشت حاجی خلیفه کلیه آثار وی را به قصد حفظ و نگهداری خرید و بر بعضی از آنها ذیلی افزود یا شرحی نگاشت. (وورم، ص ۶۷-۶۹؛ یالتقایا: مجله یادگار، ش ۱۰، ص ۷۴)

آثار حاجی خلیفه:

آثار او حاکی از تنوع ذوق و علایق و عمق دانش و پژوهش و آشنایی او با علوم زمانش است.

(Shaw. 1/285-286) این آثار شامل ۲۱ تألیف و ترجمه است: (نک: قره بلوط،

۳۷۰۱/۵-۳۷۰۴؛ Brill.1/564-565؛ همان، ذیل، 2/636-637)

۱) فذلکه اقوال الاخیار فی علم التاریخ والاشیاء یا فذلکه التواریخ، که خود کاتب چلبی آن را تاریخ کبیر خوانده است، در تاریخ عمومی به زبان عربی که تاریخ حیات ۱۵۰ نفر از ملوک است و شامل وقایع جهان از آفرینش عالم تا ۱۰۵۱ق. کتاب یک پیش گفتار، سه اصل، و یک خاتمه دارد.

فصل اول درباره قبایل و اقوام است.

فصل دوم شهرهایی است که در فصل اول از آنها یاد شده است و احوال رجالی است که در آن شهرها پرورده شده اند.

فصل سوم درباره حوادثی است که از آغاز هجرت تا ستا ۱۰۰۰ هجری به ترتیب تاریخی، مرتب شده است.

نسخه ای از آن به خط مؤلف به شماره ۱۰۳۱۸، در کتابخانه دولتی بایزید موجود است. (گوک یای، ص ۴۰؛ د. ا. د. ترک، همانجا)

۲) فذلک، وقایع نامه ای به ترکی، مشتمل بر تاریخ خلافت عثمانی از سال ۱۰۰۰ تا ۱۰۶۵ق. (شیخی محمد افندی، همانجا) یعنی از آخر حکومت سلطان مراد سوم تا هفتمین سال حکومت سلطان محمد چهارم (حک: ۱۰۵۸-۱۰۹۸ق.) است. کتابی است جامع و معتبر با ذکر تاریخ دقیق و در انتهای هر فصل نیز اسامی علمای معروف آن دوره آمده است. (۱۲۸۶) اوزون چارشیلی، ج ۳، بخش ۲، ص ۵۴۵؛ فهرس المطبوعات الترتکيه العثمانیه، ۳۷۶/۲

۳) تحفه الکبار فی اسفار البحار، تاریخ جنگهای دریایی عثمانیها (شیخی محمد افندی، همانجا) به ترکی که مایلِف آن در ۱۰۵۵ شروع شد و پس از آنکه ونیزیان در ۱۰۶۷ در داردانل نیروی دریایی عثمانی را شکست دادند، پایان یافت. (بروکلمان، ج ۲، ص ۵۶۴-۵۶۵). نسخه های فراوان این کتاب حاکی از آن است که کاملاً در دسترس بوده است. (کراچکوفسکی، ۶۳۶/۴) این اثر یک بار در ۱۱۴۱ق. در مطبعه ابراهیم متفرقه، در ۷۵ صفحه قطع رحلی بزرگ با پنج نقشه از نیمکره زمین و غیره، و بار دیگر در ۱۳۲۹ق. چاپ شد. (فهرس المطبوعات الترتکيه العثمانیه، ۲۴۲/۲؛ فندیک، ۳۷۸؛ نیز: حاجی خلیفه، ۱۳۷۶ش، مقدمه محدث، ص ۱۴؛ فهرس المطبوعات الترتکيه العثمانیه، ۲۴۲/۲)

۴) تقویم التوارخ، جدول وقایع تاریخی از خلقت آدم (ع) تا ۱۰۵۸ق. یا ۱۰۶۰ق. (Storey. 1/127-128) که سپس ذیلی بر آن توسط حسین بن جعفر، معروف به هزارفن (۱۰۲۰-۱۱۰۳ق.) تا ۱۰۷۸ق. بر آن افزوده شد و همین کتاب توسط آنتوان گالان فرانسوی (۱۶۴۶-۱۷۱۵م.) به فرانسه برگردانده شد. (گلشنی: آینه میراث، ش ۲، ص ۴۳) در سال ۱۶۹۷م. رینالدو کارلی آن را به ایتالیایی ترجمه کرد، و نیز در ۱۱۴۶ق. ۱۷۳۳م. در استانبول منتشر شد. (فندیک، ۳۷۷) ترجمه فارسی آن نیز در تهران (۱۳۷۶ش.) منتشر شد. ترجمه هایی از آن به فارسی با عناوین حق نمکدان از مصطفی

افندی لشکرنویس عثمانی، (اعتصامی، فهرست مجلس، ۱۳۷/۲-۱۳۸) و تاریخ سنواتی یا تاریخ تقویمی از مترجمی ناشناخته که اول به عربی و سپس به فارسی برگردانده شده، موجود است. (منزوی، نسخه های فارسی، ۴۱۰۷/۶ و ۴۱۳۰؛ نوشاهی، ۷۲۱؛ دانش پژوه، فهرست دانشگاه، ۵۵۳/۸ و ۱۵۶۲/۱۰؛ همو، نشریه، ۶۹/۲) و ترجمه فارسی دیگری نیز از آن با عنوان لبّ التواریخ موجود است. (همو، نشریه، ۶۵۰/۴) تا کنون دو گونه تحریر از این کتاب مشاهده شده که یکی در سه «کراسه» که در هر صفحه پنجاه سال، و دیگری در ده «کراسه» که در هر صفحه بیست سال را گزارش می دهد. (منزوی، فهرست مشترک، ۱۲۳/۱۰) ترجمه هایی نیز به عربی و ایتالیایی به همراه متن ترکی آن در سال ۱۶۹۷م. در فینسیا منتشر شده است. (سرکیس، ۷۳۳) همچنین ترجمه ها و نسخه های فراوان دیگری از آن موجود است. (نگ: برگل، ۶۱۸/۲-۶۲۲؛ ایوانف، ۱۴/۱۲)

۵) تاریخ قسطنطنیه و قیصریه یا رونق السلطنه، که برگزیده هایی از تاریخ قسطنطنیه و قیصریه است که از لاتینی به ترکی برگردانده شده است. کاتب چلبی این کتاب را در وقایعی که در مشرق زمین تا سال ۱۸۷۹ق/ ۱۵۷۹م. روی داده است، از کتب تاریخی برگزیده یا ترجمه نموده است. نسخه خطی آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است.

۶) تاریخ فرنگی، اثر یوهان کاریون، ترجمه ترکی کرونیکل.

۷) ارشاد الحیاری الی تاریخ الیونان و الروم و النصراری، به منظور اصلاح خطاهای موجود در کتب تواریخ اسلامی درباره ممالک اروپایی تدوین شده است. همچنین این کتاب مجموعه ای درباره انواع حکومت های غربی و تاریخ خاندان های سلطنتی اروپا و مذهب آنان که از اطلس مینور، اثر مرکاتور (به لاتینی) و منابع دیگر اخذ شده است که تمایل وی به تمدن مغرب زمین را آشکار می سازد. (Wurm. 5؛ گوگ یای، ص ۲۶؛ روحانی، ص ۹۴) بخش اول کتاب به ادیان اروپاییان و بخش دوم آن به عادات و آداب آنان اختصاص داده شده است. به نظام های حکومتی اروپایی، دموکراسی، آریستوکراسی، و جمهوریت اشاره کرده و به مقایسه آن با نظام حکومتی آل عثمان پرداخته است.

۸) سَلَم الوصول الى طبقات الفحول، گزیده ای از زندگینامه ها به عربی به ترتیب الفبایی، شبیه کتب طبقات علمای عرب که به سال ۱۰۶۲ق. تالیف گردیده است. (بروکلمان، ۴۲۷/۲؛ د. اسلامیه، همانجا) شامل سه بخش می باشد:

بخش اول، آن به ترتیب اسامی است.

بخش دوم، به ترتیب کنیه و القاب است.

بخش سوم، فواید متفرقه تاریخی است.

نسخه ای از آن در کتابخانه خدیویه (شماره ۷۴۸۲) و معهد المخطوطات مصر (شماره

۲۸۳) و نسخه ای در کتابخانه شهید علی پاشا موجود است. (عصمت، ۶۹/۵)

۹) جهان نما، که در سال ۱۰۵۸ق. تالیف شده و کتابی است بزرگ بالغ بر ۶۵۰ صفحه بزرگ و از قدیمترین کتب علم جغرافیا و کیهان شناسی و اطلس جغرافیایی به زبان ترکی است که ناتمام مانده است. این کتاب به ترتیب حروف و شرح حال اقالیم جدید را نیز که بعد از قرن نهم هجری کشف شده، شامل است. (مدرس تبریزی، ۱۱/۵) نسخه هایی از آن در کتابخانه های مختلف عثمانی و غیره، از جمله کتابخانه استانبول، کتابخانه سلیمانیه، کتابخانه شهید علی پاشا، به شماره ۱۸۷۷ خطی موجود است. در بعضی منابع به خطا، کتاب «بحریه» را به کاتب چلبی به عنوان یک اثر مستقل منسوب نموده اند. در حالی که این کتاب از کتاب جهان نما برداشته شده و درباره منطقه روم ایلی و بوسنی است.

۱۰) لوامع النور فی ظلمه [فی ترجمه] / اطلس مینور، ترجمه اطلس مینور از مرکاتور و هوندیوس، به ترکی در ۱۰۶۴ق، با حواشی بسیار. این اطلس به کمک شیخ محمد اخلاصی (راهب نومسلمان فرانسوی) ترجمه شده است. نسخه ای از لوامع النور (شماره ۲۹۹۸)، در کتابخانه نور عثمانیه و نسخه هایی در کوپرلی، (شماره ۱۷۸) و حمیدیه، (شماره ۹۸۸) موجود است. (اوزون چارشیلی، ج ۳، بخش ۲، ص ۵۴۴؛ بغدادی، ج ۲، ستون ۴۱۵؛ بروکلمان، ذیل، ۶۳۷/۲؛ د. اسلامیه، همانجا؛ دفتر کتابخانه کوپرلی، ۱۵۰؛ دفتر کتابخانه حمیدیه، ۵۴).

۱۱) الهام المقدس فی فیض الاقدس، به ترکی، در شرایط نماز و روزه در قطبین و مسایل مربوط به آنهاست. نسخ خطی آن در کتابخانه های مراد ملا و کتابهای حمیدیه و لالا اسماعیل افندی و غیره موجود است. (نک: توفیق سبحانی، کتابداری، ص ۱۷)

۱۲) قانون نامه، که در سالهای ۱۰۶۴-۱۰۶۵ ق. / ۱۶۵۴-۱۶۵۵ م. فراهم گردیده و در پیرامون قوانین عرفی، دینی و اسلامی می باشد. او در کتاب میزان الحق درباره این کتاب سخن گفته است. نسخه خطی آن در کتابخانه موزه توپقاپی سرای موجود است که شماره آن معلوم نشد.

۱۳) تحفه الانحار فی الحکم والامثال والاشعار، منتخب امثال و حکم، پند و اندرز، حکایات و لطایف و اشعار نغز و گفتاری در صرف و نحو، برگرفته از کتب ادب و حکمت عربی و فارسی و ترکی، درباره حیات معقول انسانها و نیز آگاهیهای درباره جانوران و گیاهان که به ترتیب الفبایی (تا حرف ح) تدوین یافته است. تألیف این اثر ناتمام در ۱۰۶۱ ق. شروع شد. نسخه هایی از آن در کتابخانه های خدیوئه قاهره (شماره ۷۲۱۹، به خط مولف) و نور عثمانیه استانبول (شماره ۴۹۴۹) و اسعد افندی (شماره ۲۵۳۹) و دارالکتب (شماره ۲۱۳۹۸) موجود است. (بروسه لی، ج ۳، ص ۱۲۹؛ د.ا. د. ترک، همانجا؛ نیز: بروکلیمان، ۵۶۵/۲؛ شیخی محمد افندی، ۲۶۴/۱؛ سید، ۱۳۲/۱؛ روحانی، همانجا).

۱۴) دُرر منتشره و غُرر منتشره، مجموعه ای برگزیده از تراجم احوال و مسایل گوناگون. نسخه ای از آن به خط مولف در کتابخانه نور عثمانیه استانبول به شماره ۴۹۴۹ موجود است.

۱۵) دستورالعمل فی اصلاح الخلل، رساله ای در ۲۱ صفحه، با پیشنهادهایی برای اصلاحات مالی و اداری در دولت عثمانی و آیین کشورداری. (شیخی، همانجا) نظر به این که مخارج دولت از درآمد آن بیشتر بوده است. در نهایت در سال ۱۰۶۳ ق. (۱۶۵۳/۱۱/۱۷ م.) کمیون بزرگ مالی تشکیل گردید و مؤلف در این کمیون حضور

داشته و این کتاب را تألیف کرده است. این کتاب شامل یک مقدمه و سه فصل و یک نتیجه می باشد.

حسین هزار فن بسیاری از مطالب این اثر را در کتابش، تلخیص الیان فی قوانین آل عثمان، که در دوره سلطان محمد چهارم (حک: ۱۰۵۸-۱۰۹۸) نگاشته است، عیناً نقل کرده است. (وورم، ص ۱۰۲-۱۰۳)

۱۶) رجم الرجم بالسنین و الجیم، مجموعه ای از مسائل غریبه فقهی و فتاوی نادر و عجیبه شیخ الاسلام های عثمانی به طریق سوال و جواب.

۱۷) شرح بر تفسیر بیضاوی. مولف در سال ۱۰۵۲ق. این شرح را آغاز کرده، ولی به انجام نرسانده است.

۱۸) حسن الهدایه، شرح رساله محمدیه ملاعلی قوشچی است که برای سلطان محمد فاتح فراهم کرده بود. کاتب چلبی آن را برای پسر خود مولانا محمود، در سال ۱۰۵۷ق. نگاشته است. نسخه ای از آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است (روحانی، ص ۹۵، ح ۱۴).

۱۹) جامع المتون من جلّ الفنون، مجموعه علمی از متون متداول روز. این مجموعه از قریب ۳۰ کتاب برگزیده و گردآوری گردیده است. نسخه ای از آن به شماره ۱۷۶۳ در کتابخانه خزینة امانت در توپقاپوسرای موجود است.

۲۰) مختصر جامع المتون.

۲۱) میزان الحق فی اختیار الاحق، به ترکی، در حل اختلافاتی است که در زمان سلطان مراد چهارم (حک: ۱۰۳۲-۱۰۴۹ق.) مابین مذهبهای افراطی در موارد مختلف مانند نوشیدن مسکرات، کشیدن تنباکو، نواختن فلوت و رقصهای دراویش و غیره موجود بوده است که مولف راهی بیناین در حل مسایل مورد اختلاف در پیش گرفته است. این کتاب در سال وفات او تألیف یافته و آخرین تألیف حاجی خلیفه است که در سال ۱۰۶۷ق. تألیف کرده است. نسخه ای از آن در کتابخانه های نور عثمانیه (شماره ۴۳۲۷) و بشیرآغا (شماره ۵۵۴)

و غیره موجود است. (ریو، ۷۱۹ و ۲۹۰۷؛ دفتر کتابخانه نور عثمانیه، ۲۴۸؛ دفتر کتابخانه بشیر آغا، ۴۰؛ Idem. 4/761-762؛ طاهریک، ۱۲۴/۳).

۲۲) ترجمه تاریخ فرهنگ، ترجمه «Chronic» است از «Johan Carion». بخشی از آن که مربوط به تاریخ اروپا است. به همت «شناسی» در روزنامه تصویر افکار منتشر شده است. بعضی معتقدند که این کتاب ترجمه تاریخ «Chalcondylas» است که این خطاست. (نک: توفیق سبحانی، کتابداری، ص ۱۶)

۲۳) گزیده لطایف نگارستان غفاری، این کتاب پس از وفات مولف به دست عزت علی پاشا افتاده، پس از مرگ وی به کتابخانه خزینه همایون رسیده است. (بروسه لی، عثمانلی مولفعلری، ج ۳، ص ۱۳۰-۱۳۱)

۲۴) گزیده نواذر تاریخ و طبقات، که جز نام کتاب اطلاعی دیگر از آن در دست نیست. (همان، ص ۱۳۱)

۲۵) جنگ حاجی خلیفه: مشرقانی است نامرتب در تفسیر و حدیث و فقه و اعتقادات و ادب عربی و مطالبی از علوم غریبه و دعا و طلسم و چند رساله کوتاه از دانشمندان گذشته و دستورهای اخلاقی و غیر آن. در آغاز این جنگ آمده است: